

فرضیه بادکنک‌های سیاسی

پدیده‌ها و شرایط و اوضاع روز جهانی و رفتارهای متغیر و چندگانه کشورهای صاحب قدرت در قبال پدیده‌های فوق ، به صورت جدی منافع ملی سایرکشورهای را تهدید نموده و به علت عدم امکان پیش بینی رفتارهای متغیرفوق ، کشورهای جهان سوم و حتی کشورهای صاحب سبک و در حال توسعه یافته ، عکس‌العمل‌های چندگانه و متفاوت و منفعلانه ای از خودبروزمی دهند که در نهایت سمت و سوق تحقق اهداف طرف مقابل را پیدا می نماید .

رفتارها و برخوردهای متناقض و متغیری که کشورهای مختلف جهان بویژه کشورهای با رویه وذات استکباری؛ در قبال پدیده‌هایی با ماهیت مشابه؛ ولی در شرایط مکانی و زمانی متفاوت دارند از قبیل نوع برخورد و تفسیر از حقوق بشر؛ انرژی هسته ای؛ تروریسم؛ دموکراسی؛ محدودیتهای اجتماعی و... بیانگر شرایط به شدت متغیر و دینامیک نظامهای تصمیم‌گیری جهانی است که جهت کلی آنها حفظ منافع ملی است.

بر اساس تئوری جدیدی تحت عنوان تئوری مدیریت فضای بادکنکی؛ اینگونه تصمیم‌گیریهای متغیر و چندگانگی عملکرد و رفتارهای سیاسی متفاوت، به فضایی اکنده از بادکنک‌هایی با رنگها و طرحهای متفاوت و متنوعی تشبیه می گردند که علی‌رغم ظاهر و شکلی پایدار؛ هیچ‌امیدی به ماندگاری آنها نیست و هر لحظه احتمال ترکیدن آنها و جایگزین شدنشان با بادکنک‌های رفتاری دیگر می رود .

در این مقال سعی شده است از این تئوری جدید خلاصه ای ترسیم گردد و بدیهی است هر گونه نقد تئوری فوق ضرورت دارد

فرضیه اساس تئوری :

در جهان کنونی که سیاست‌گذاری کشورها دقیقاً بر اساس منافع ملی خودشان اتخاذ شده است و ارتباطات کشورها در قالب کنش و واکنشهای جهانی تعریف می‌گردد؛ به نظر می‌رسد که در قالب اصول اساسی که این نیزتایع شرایط مختلف، شکل‌های مختلفی می‌گیرد و به عبارتی کاملاً دینامیک است ، رفتارها و سیاست‌گذاریها ، برای نیل به اهداف اصلی ، بسیار متغیر و با اشکال و ماهیتهای مختلفی انتخاب می‌گردد. برای این رفتارها از قبل زمان و مکان مصرف مشخص شده است . به عبارتی دیگر رفتارهای متغیر در قبال پدیده‌های مشابه و متغیر، به مثابه فضایی اکنده از بادکنک‌هایی است که برای اهدافی خاص ، هرکدام رنگ و شکل متفاوتی دارند . برای تعدادی از این بادکنکها از قبل مشخص شده است که در چه فضایی و در چه شرایط و زمانی باید ترکیده شوند و یا با بادکنک‌های جدید جایگزین گردند. این بادکنکها علی‌رغم ظاهر و شکلی پایدار و ثابت ؛ کاملاً انعطاف پذیر و ناپایدار هستند . ضمناً به نظر می‌رسد که بادکنک‌های فوق با توجه به مقتضیات و نیازهای فرهنگی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی هر منطقه طوری انتخاب می‌گردند که دارای حداکثر سازگاری برای جلوگیری از بروز هر مقاومتی باشند.

چه باید کرد؟

با توجه به رفتارهای متغیر ذکر شده ؛مقابله‌های سنتی و یکسان و با قالب و تفکر قاطعیت ظاهری به هیچ‌عنوان کارساز نبوده و عمدتاً به علت متغیر بودن نوع رفتارها ، سیستمهای سنتی دچار سردگمی و انفعال می‌شوند . ضمناً یکی دیگر از اهداف تنظیم کنندگان رفتارهای متغیر ، به انفعال کشاندن سیستمهای فوق می‌باشد . بنابر این به نظر می‌رسد که مناسبترین نحوه مقابله و برخورد؛ پیش‌بینی و آگاهی از زمان و مکان رفتار و مدت مصرف آن می‌باشد . ضمناً باید امکان ارائه رفتارهای متغیر به منظور بی‌اثر نمودن و تغییر افکار در زمانها و مکانهای متفاوت دقیقاً

شناسایی و فراهم شدن و همچنین می باید توانایی تغییر زمان و مدت مصرف رفتارها ایجاد گردد . در صورت بروز اینگونه اقدامات فضای رفتارها از حالت تک قطبی خارج شده و به یک فضای رقابتی تبدیل می شود . در این مقوله ، عوامل تاثیر گذار در خنثی نمودن رفتارهای چندگانه و متغیر؛ پایبندی هوشمندانه به اصول و مبنای واستواری و ثبات قدم ؛ افزایش مشارکتهای مردمی ، وحدت ملی و توجه کامل به منافع و مصالح ملی ، تبدیل محدودیتهای به فرصت و تبدیل فرصتها به مزیت و بالابردن قدرت پیش بینی می باشد .

ضمناً افزایش باورها و اعتماد مردم به ارکان نظام و افزایش تحمل نقد پذیری جامعه ؛ پرهیز از یکجانبه نگری و دوری از افراط و تفریط در خنثی نمودن رفتارهای چندگانه جهانی بسیار موثر می باشد

به عبارتی دیگر با وجود تشکل های مردمی پویا و رسانه های مسئولیت پذیر و قابل اعتماد و تصمیم گیران منتخب مردم و مورد اطمینان عمومی ، رفتارها ی متغیر و سیاستهای چند گانه کاربردی نخواهد داشت . در این حالت است که نظامهای استکباری در ترسیم و تدوین ایجاد متغیرهای رفتاری برای کشور های دیگر و بازیگردانی جهانی ، خود دچار بازی می شوند.